

ارائه شده توسط

لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

The Riddle of Intelligence

معمای هوش

How a child **prodigy** comes by his **preternatural** ability is not something that has made much sense to scientists. Only recently has science begun to **probe** the cultural and biological roots of **wunderkinder**. New research is showing what scientists have long suspected: that the brains of very smart children appear to function in **startlingly** different ways from those of average kids.

اینکه چگونه یک کودک نابغه، توانایی مافوق طبیعی خود را به دست می آورد چیزی نیست که برای دانشمندان قابل درک باشد. فقط اخیراً علم شروع به بررسی ریشه های فرهنگی و بیولوژیکی کودکان نابغه کرده است. تحقیقات جدید نشان می دهد آنچه را که دانشمندان برای مدت زیادی شک داشتند: اینکه مغزهای کودکان بسیار باهوش، به نظر می رسد که به طور شگفت آوری متفاوت از مغزهای کودکان معمولی عمل می کند.

But the question on every parent's mind remains: Are prodigies born, or can prodigies be made? Is **giftedness** an accident of genetics, or can it be **forged** through environment—by parents, schools and **mentors**? This much is clear: **ethnicity** and geography are **irrelevant**. Prodigies can **materialize** anywhere, and Asia produces more than its share of the **super precocious**.

اما این سوال در ذهن هر پدر و مادری باقی می ماند: آیا کودکان نابغه متولد می شوند، و یا می توان با تمرین و آموزش دادن به آنها نابغه اشان کرد. آیا با استعداد بودن یک اتفاق ژنتیکی است، یا می تواند از طریق محیط - توسط والدین، مدارس و مربیان به تدریج پیشرفت کند؟ این خیلی واضح است: که قومیت و موقعیت جغرافیایی بی ربط و بی اهمیت هستند. اعجوبه ها می توانند در هر کجایی باشند، و در بیشتر نواحی قاره آسیا کودکان نابغه در سن کم به وجود می آیند.

In the past, poverty, lack of education and absence of opportunities meant their abilities may have gone undiscovered or undeveloped. But bigger incomes and the rise of an ambitious middle class have produced a **boom** in accomplished youngsters. A 1997 survey of 32 outstanding physics and chemistry students that was conducted by the National Taiwan Normal University found more than three-quarters of them were the eldest child in small, **dual-income** households—families with relatively high socio-economic status.

در گذشته، فقر، فقدان آموزش و نبود فرصت ها به این معنی بود که توانایی هایشان ممکن بود غیرقابل کشف و یا پرورش داده نشده، بشود اما درآمدهای بالاتر و افزایش اشتیاق طبقه ی متوسط به موفقیت و شهرت، پیشرفت سریع و عظیمی در بچه های کم سن و سال متخصص و نخبه به وجود آورده است. بررسی ای که در سال ۱۹۹۷ از ۳۲ دانشجوی برجسته فیزیک و شیمی توسط دانشگاه ملی تایوان انجام شد، نشان داده که بیش از سه چهارم آنها در کوچکی، فرزند ارشد و با دوتا درآمد خانگی - خانواده هایی تقریبا با وضعیت اجتماعی - اقتصادی بالایی بودند.

Strictly speaking, however, most of the smart kids in any given home or classroom are not prodigies, no matter how **diligent** or talented they may be. The

standard definition of a prodigy is a child who by age 10 displays a **mastery** of a field usually undertaken only by adults.

با این حال، به بیان دقیق، اکثر بچه های باهوش در هر خانه یا کلاس درس، مهم نیست که چقدر کوشا یا با استعداد باشند، نابغه نیستند. مهم نیست که چقدر سخت کوش و با استعداد می توانند باشند. تعریف معمول از یک نابغه این است که کودکی در سن ۱۰ سالگی، یک مهارت از یک رشته ای که معمولاً صرفاً توسط بزرگسالان انجام می شود را نشان می دهد.

"I always say to parents, 'If you have to ask whether your child is a prodigy, then your child isn't one,'" says Ellen Winner, a psychologist in Boston and author of *Gifted Children: Myths and Realities*. Prodigies are, by this definition, **exotic** creatures whose **standout** accomplishments are obvious.

الن وینر، یک روانشناس در بوستون و نویسنده کتاب کودکان بااستعداد: افسانه ها و واقعیت ها، می گوید: "من همیشه به والدین می گویم: اگر برای فهمیدن نابغه بودن فرزندتان باید از بقیه پرسید پس فرزند شما نابغه نیست" (اگر فرزند نابغه باشه واضحه و نیازی به سوال نداره) نابغه ها، با این تعریف، مخلوقات عجیب و غریب هستند که عملکرد برجسته آنها واضح است.

Abigail Sin who, at 10 years old, is Singapore's most celebrated young pianist, started reading at age 2, and for the past three years has been ranked among the top 1% in the **city-state** in an international math competition sponsored by Australia's University of New South Wales. She's smart, but it was only through her music that she qualified as a **bona fide** prodigy.

ابیگل سین، در ۱۰ سالگی، مشهورترین پیانیست جوان سنگاپور، خواندن را در سن دو سالگی شروع کرد، و برای سه سال گذشته، در یک رقابت ریاضی بین المللی که توسط دانشگاه نیوساوت ولز استرالیا حمایت میشود، جزء یک درصد اول در شهر و حومه قرار گرفته است. او باهوش هست، ولی فقط از طریق موسیقی اش بود که او به عنوان یک نابغه ی واقعی به حساب امد.

The youngest Singaporean ever to obtain the **coveted** Associated Board of the Royal Schools of Music diploma in piano performance, Sin **demonstrates** one of the **hallmark** qualities of the **breed**: a **single-minded** drive to excel. Winner calls it a "rage to learn," which in Sin's case was **manifest** in her almost unstoppable urge to master the keyboard since she took her first lesson at age 5. "A lot of kids don't like to sit at the piano for hours," says her tutor Benjamin Loh. "Abigail is different," practicing 25 hours on average a week.

جوانترین سنگاپوری که همواره آرزوی کسب دیپلم موسیقی از هیئت انجمن مدارس سلطنتی در اجرای پیانو را دارد، سین یکی از ویژگی های برجسته ی از این نوع افراد، یک انگیزه قوی برای بهتر بودن و درخشیدن را نشان می دهد. که خانم وینر آن را "اشتیاق شدید به یادگیری" می نامد، که در مورد سین واضح هست در اصرار تقریبا غیرقابل توقف اش به خوب یاد گرفتن کیبورد از زمانی که او اولین درس را در پنج سالگی گرفت. معلم خصوصی بنجامین لوه می گوید: "بسیاری از بچه ها دوست ندارند ساعت ها پشت پیانو بنشینند،" "ابیگل متفاوت است، به طور متوسط در هفته ۲۵ ساعت تمرین می کند."

"She loves to play, and she learns **extraordinarily** fast." Her **intensity** is all the more obvious when she is compared with her twin brother, Josiah, who, like his sister is good with numbers but doesn't share Abigail's passion for music. "She

always practices the same stuff over and over again," he complains.

"او عاشق نواختن ساز است و به طور فوق العاده ای سریع یاد می گیرد." قدرت و تند و تیزی ایگل از همه بیشتر زمانی آشکارتر می شود که او را با برادر دوقلویش، جوزیا مقایسه می کنیم، که مانند خواهرش با اعداد خوب است اما اشتیاق ایگیل به موسیقی را ندارد. او شکایت می کند، "که ایگل همیشه همان کارها را بارها و بارها تمرین و تکرار می کند."

Where does the drive come from? Researchers are just beginning to understand that there are differences in the functioning of the brain's **neural** circuitry that appear to differentiate prodigies from their ordinary peers. **Neuroscientists** have learned more about human **gray matter** in the past 10 years than in all of previous medical history combined, partly due to the advent of sophisticated technology such as a functional **magnetic resonance** imaging (fMRI) scanner, which measures blood flow to different **segments** of the brain, revealing which parts "light up" during various mental activities.

این انگیزه از کجا می آید؟ محققان تازه شروع می کنند به فهمیدن اینکه تفاوت هایی در عملکرد مدارهای عصبی مغز وجود دارد که به نظر می رسد باعث فرق نابغه ها از همسالان عادی خود می شود. در ۱۰ سال گذشته، متخصصین مغز و اعصاب در مورد ماده خاکستری مغز بشر بیشتر از تمام تاریخ قبلی ادغام شده پزشکی آموخته اند، این آموخته ها تا حدی به دلیل ظهور تکنولوژی پیشرفته مانند اسکنر تصویربرداری رزونانس مغناطیسی کاربردی (fMRI)، که جریان خون را به بخش های مختلف مغز اندازه گیری می کند، نشان می دهد که کدام قسمت ها در طول فعالیت های مختلف ذهنی "روشن" می شوند.

The only fMRI scanner in the Southern Hemisphere can be found in Melbourne, where American psychologist Michael O'Boyle has been scanning the brains of young people gifted in mathematics. He's making some startling discoveries. O'Boyle found that, compared with average kids, children with an **aptitude** for numbers show six to seven times more metabolic activity in the right side of their brains, an area known to **mediate** pattern recognition and **spatial** awareness—key abilities for math and music.

تنها اسکنر fMRI می تواند در نیمکره جنوبی در ملبورن پیدا بشود، آنجا که، روانشناس آمریکایی، مایکل اوبویل مغز افراد جوان نابغه و با استعداد در ریاضیات اسکن می کند. او برخی از اکتشاف های شگفت آور را انجام می دهد. اوبویل فهمید که، با مقایسه بچه هایی با هوش متوسط، کودکانی که توانایی و مهارت در اعداد را دارند، این بچه ها ۶ تا ۷ برابر بیشتر فعالیت متابولیکی را در سمت راست مغزشان، ناحیه ای شناخته شده به واسطه ی تشخیص الگو و دانش فضایی-توانایی های کلیدی برای ریاضی و موسیقی، نشان می دهند.

Scans also showed heightened activity in the **frontal lobes**, believed to play a crucial "executive" role in coordinating thought and improving concentration. This region of the brain is virtually inactive in average children when doing the same tasks. Viewed with fMRI, "It's like the difference between a stoplight and a Christmas tree," says O'Boyle, the director of the University of Melbourne's Morgan Center, which researches the development of children who have high intellectual potential.

اسکن ها همچنین فعالیت های بالایی در لوب جلوی مغز را نشان می دادند، معتقد بر اینکه اون ناحیه نقش حیاتی "اجرایی" در هماهنگی اندیشه و بهبود تمرکز دارند. این منطقه مغز در انجام وظایف مشابه، در بچه های با هوش متوسط تقریباً غیر فعال است. اوبویل، مدیر مرکز مورگان دانشگاه

ملبورن، که در آن روی پیشرفت و رشد بچه‌هایی که پتانسیل ذهنی بالا دارند را تحقیق می‌کند، با دیدن اسکن "fMRI" می‌گوید: "این همانند تفاوت بین چراغ راهنمایی و درخت کریسمس است."

"Not only do math-gifted kids have higher right-side processing power, but this power is also **fine-tuned** by frontal areas that enhance concentration. These kids are really **locked on**." O'Boyle believes prodigies also can **switch** very efficiently between the brain's left and right hemispheres, utilizing other mental resources and perhaps even shutting down areas that produce random **distractions**.

"نه تنها بچه‌های با استعداد ریاضی قدرت پردازش بالاتری در سمت راست دارند، بلکه این قدرت توسط نواحی پیشانی که تمرکز را افزایش می‌دهند نیز به خوبی تنظیم می‌شود. این بچه‌ها واقعا روی این توانایی متمرکز هستند." او بویل معتقد است افراد نابغه همچنین می‌توانند به طور موثری بین نیمکره‌های چپ و راست مغز تغییر بدهند، و به این ترتیب سایر منابع ذهنی شان را به کار می‌گیرند و شاید حتی مناطق که تولید حواس پرتی تصادفی ایجاد می‌کند را قطع می‌کنند.

In short, while their brains aren't physically different from ordinary children's, prodigies seem to be able to focus better—to **muster** the mental resources necessary to solve problems and learn. "For the longest time, these kids' brains were considered the same as everyone else's; they just did twice as much, twice as fast," says O'Boyle. "It turns out those **quantitative** explanations don't fit.

به طور خلاصه اینکه، در حالی که مغزهای این افراد از نظر فیزیکی نسبت به مغز بچه‌های معمولی تفاوتی ندارد، به نظر می‌رسد که بچه‌های با استعداد قادر به تمرکز بیشتر برای جمع‌آوری منابع

ذهنی لازم برای حل مشکلات و یادگیری باشند. "برای مدت طولانی، مغز این بچه ها همانند سایر افراد در نظر گرفته میشد؛ اوبایل می گوید. تنها کار متفاوتی که مغز این بچه ها انجام می دهد، این است که آنها فقط دو برابر کار بیشتری انجام دادند و دو برابر سریعتر کار انجام دادند." این به نظر می رسد که این توضیح های کمی (دوبرابر بیشتر و دو برابر سریع تر) معنی نمی دهد.

They're doing something qualitatively different." But are prodigies born different, gifted by genetic accident to be mentally more efficient? Or is the management of mental resources something that can be developed? Scientists aren't sure. Studies have shown that raw intelligence, as measured through IQ tests, is highly (though not completely) inheritable. But the connection between high intelligence and prodigious behavior is far from **absolute**.

بلکه مغزهای این بچه ها کاری با کیفیتی متفاوت انجام می دهند. اما آیا بچه های با استعداد و نابغه متفاوت به دنیا می آیند که دارای استعدادی هستند با یک سری اتفاق های ژنتیکی، که از نظر ذهنی کاراتر و موثرتر عمل بکنند، یا این طور نیست، مدیریت منابع ذهنی چیزی است که می تواند آن را توسعه داد؟ دانشمندان در این زمینه مطمئن نیستند. مطالعات نشان داده اند که هوش خالص، که از طریق آزمون های IQ اندازه گیری می شود، احتمال به ارث رسیدن بالایی دارد (هرچند نه بطور کامل) اما ارتباط بین هوش بالا و رفتارهای شگفت انگیز به هیچ عنوان مطلق نیست.

With only **sketchy** evidence to rely on, researchers and other experts continue to debate the age-old "nature vs. **nurture**" question. "There is no inborn talent for music ability," Shinichi Suzuki, creator of the Suzuki Method of training young musicians, once declared. Even those who believe certain talents are innate agree

that a child's **upbringing** has a big impact on whether a gift is developed or **squashed**.

محققان و دیگر متخصصان همچنان به بحث پیرامون پرسش قدیمی "طبیعت یا تربیت" تنها با تکیه بر شواهد ناقص و عاری از جزئیات، ادامه می دهند. شینچی سوزوکی، سازنده روش سوزوکی آموزش نوازندگان جوان، زمانی اعلام کرد، "هیچ استعداد ذاتی برای توانایی موسیقی وجود ندارد." حتی کسانی که معتقدند استعدادهای خاص ذاتی هستند، موافق این هم هستند که تربیت کودک بر اینکه آیا یک استعداد باید پرورش داده بشود یا جلوی آن گرفته شود، تاثیر زیادی دارد.

"Prodigies are half born, half made and mostly discovered at an early age," says Wu Wu tien, dean of the College of Education at the National Taiwan Normal University. The role adopted by parents is vital. According to psychologist Winner's research, the parents of gifted kids provide **stimulating** environments: their homes are often full of books; they read to their children at an early age; they take them on trips to museums and concerts.

وو وو تین، رئیس کالج آموزش و پرورش در دانشگاه طبیعی تایوان می گوید: "نابغه ها نصف متولد می شوند، نصف ساخته شده (پرورش پیدا می کنند) و عمدتاً در سن های اولیه کشف می شوند." اون نقش که گرفته میشه توسط والدین، حیاتی است. بر طبق تحقیقات روانشناس خانم وینر، والدین بچه های بااستعداد محیط هایی مهیج و تحریک کننده را فراهم می کنند: خانه هایشان اغلب پر از کتاب است؛ آنها در سن کودکی برای فرزندانشان کتاب می خوانند؛ آنها را به سفر موزه ها و کنسرت ها می برد.

They do not **talk down to** their children, and they allow them a high degree of independence. And if their child shows talent, they will **pull out** all the stops to make sure it is encouraged. Prodigies should not put away childish things simply because they perform as adults, say experts. "Children still need time to be children," says McCann of Flinders University.

آنها فرزندانشان را تحقیر نمی کنند و به آنها مقدار زیادی استقلال می بخشد. و اگر فرزند آنها استعداد را نشان دهد، همه موانع را از بین می برند تا مطمئن شوند که این استعداد پرورش پیدا کرده است. کارشناسان می گویند: نابغه ها به خاطر اینکه مثل بزرگترها عمل می کنند، نباید خیلی ساده کارهای کودکانه را کنار بگذارند. مک کن از دانشگاه فیلیندرز میگوید "فرزندان نیاز به زمانی دارند که بچه بشن و بچگی کنند."

Violinist Yeou-Cheng Ma—the lesser-known older sister of cellist Yo-Yo—once **poignantly** remarked of her eight-hours-a-day practice sessions, "I **traded** my childhood for my good left hand." Even the devoted Singaporean pianist Sin sometimes wants a break from her beloved instrument. "Most of the time I enjoy practicing," she says, "but sometimes I only want to play with Jacky." Jacky is her 18-month-old **Yorkshire terrier**.

نوازنده ی ویولن یو چنگ ما - نابغه ی کمتر شناخته شده، خواهر بزرگتر نوازنده ی ویولن سل Yo-Yo - یه بار به شدت از جلسات تمرین هشت ساعته خود یاد می کرد. "من دوران کودکی ام را به خاطر موفقیت دست چپم معامله کردم." (به خاطر اینکه دست چپم در نواختن خوب بشه، انقدر تمرین کردم و از همه چیز دوران کودکی ام گذشتم). حتی پیانیست علاقمند سنگاپوری سین ، بعضی وقت ها یک وقفه از وسیله موسیقی مورد علاقه اش میخواهد. او می گوید: "اکثر مواقع من از

تمرین کردن لذت می برم، اما بعضی وقت ها من فقط می خوام با جکی بازی کنم. "جکی سگ"
یورکشایر تریر ۱۸ ماهه اوست.

@LingoLearn

New word: English explanation / معنی فارسی

Prodigy: a person, esp. a young one, of exceptional talent or ability/ نابغه ، اعجوبه،

چیز غیر عادی

Preternatural: out of or beyond the natural; extraordinary or unnatural/ غیر طبیعی،

ما فوق طبیعی

Probe: to delve into deeply or thoroughly/ تحقیق، رسیدگی

Wunderkind: extremely successful young person; wonder child, child prodigy/

کودک نابغه

Startlingly: surprisingly, alarmingly, frighteningly/ به طور شگفت آور

Giftedness: state of being gifted; state of being talented/ تیزهوش

Forged: counterfeit, false; formed through heating and hammering/ مصنوعی، ساخته

Mentor: act as a mentor to a person; guide and teach another person/ مربی، معلم

سرخانه

Ethnicity: the condition of being a member of an ethnic group or sharing its traits/ قومیت

Irrelevant: not related to or connected with the matter or occasion at hand/ نا

مربوط، بی ربط، غیر ضروری

Materialize: to take bodily shape and form; come into physical existence/ بوجود

آمدن یا بوجود آوردن

Super Precocious: 1 : exceptionally early in development or occurrence. 2 : exhibiting mature qualities at an unusually early age.

Boom: to make a prolonged, deep, resounding noise/ تیر کوچک، صدای غرش، پیشرفت یا جنبش سریع و عظیم

Dual-income: a household in which there are two incomes and no children/

خانواده ای که پدر و مادر شاعل و حقوق بگیر هستند

Diligent: industrious, hard-working/ زحمت کش، سخت کوش

Mastery: the qualities of skill, knowledge, and expertise/ حکمرانی، سلطه، فرمانروایی

City-state: a self-governing state made up of a city and its surrounding territory/
دولت شهر

Exotic: having a foreign origin or character/ بیگانه، خارجی، عجیب و غریب

Standout: to elicit notice by being significantly different from or superior to
others/ ایستادگی کردن، برجسته بودن، دوام آوردن

Bona fide: not counterfeit or sham; genuine; real/ جدی، واجد شرایط، باحسن نیت

Coveted: greatly desired or envied/ مطلوب، رشک آور

Demonstrates: clearly show the existence or truth of (something) by giving proof
or evidence/ give a practical exhibition and explanation of (how a machine, skill,
or craft works or is performed)/ نشان دادن، اثبات کردن، ثابت کردن، شرح دادن، تظاهرات
کردن

Hallmark: any feature that serves to distinguish something/ انگ، نماد، مهر تضمین

Breed: to produce (offspring); give birth to/ زاد و ولد کردن، تولید مثل کردن، جنس،

گونه

Single-minded: a single-minded person has only one aim and is determined to achieve it/ مصمم، یکدنده، دارای پشتکار/

Manifest: clear and unmistakable to the eye or mind; plain; obvious/ خبر، اعلامیه،

اشاره، نامه، بیانیه، فاش

Extraordinarily: exceptionally, uncommonly, remarkably/ به طور خارق العاده ای

Neural: of or relating to the nervous system or a nerve/ عصبی، وابسته بعصب، وابسته به

سلسله اعصاب

Intensity: the quality of being intense/ قوت، شدت، سختی، سیری

Neuroscientist: scientist that studies the nervous system/ متخصص اعصاب

Gray matter: the grayish nerve tissue of the brain and spinal cord, consisting largely of nerve cells and fibers/ ماده ی خاکستری مغز و نخاع شوکی

Magnetic resonance: absorption or emission of electromagnetic radiation by electrons or atomic nuclei in response to the application of certain magnetic fields/ اشعه مغناطیسی ، تشدید مغناطیسی

Segment: one of the parts into which something is or can be separated/ قسمت، بند،
قطعه، بخش، مقطع

Aptitude: ability to learn quickly/ شایستگی، لیاقت، استعداد

Mediate: to act as an intermediary in (a dispute) or bring about (an agreement)/
غیر مستقیم، وسطی، واقع در میان

Spatial: of, relating to, or occurring in space/ فضایی، فاصله ای

Frontal lobes: the part of the brain that is covered by the frontal bone/ لب پیشانی،
قسمت قدامی دونیمکره

Fine-tuned: make small adjustments to (something) in order to achieve the best
or a desired performance/ تعدیل و تنظیم کردن، آماده و میزان کردن، آمادگی

Locked on: To aim something at a moving target so as to follow it automatically/
(علوم رزمی - هواپیمایی) بر هدف قفل شدن، قفل کردن

Switch: exchange; transfer; slender flexible rod/ تعادل برقرار کردن ، سویچ زدن، جریان
را عوض کردن

Distraction: something that distracts, something that entertains, diversion/ موجب
حواس پرتی، آشفتگی ، سرگرمی

Muster: act of mustering; military enrollment; assembly; gathering up/ جمع کردن ،
بسیج کردن

Quantitative: of, concerning, or capable of being measured or expressed as, a
quantity/ از لحاظ کمی

Absolute: precise, exact/ دایره نامحدود، مطلق، کامل، قطعی، خالص

Sketchy: giving only outlines or major points; like a sketch/ ناقص، از روی عجله،
سطحی، عاری از جزئیات

Nurture: to encourage the growth and development of/ تغذیه، تربیت، پرورش

Upbringing: the training and rearing of a child or children/ تربیت، روش آموزش و
پرورش بچه

Squashed: to press, beat, or crush into a pulp or flat mass/ سرکوب کردن، درهم

شکستن

Stimulating: encouraging or arousing interest or enthusiasm/ پرشور، هیجانی، هیجان

انگیز

Talk down to: to treat with condescension; patronize/ به طور تحکم آمیز با کسی حرف

زدن، (مانند برتر با مادون یا مهتر با کهتر) صحبت کردن

Pull out: to stop participation in a situation or obligation/ ترک کردن، عازم شدن،

بیرون آمدن

Poignantly: pungently, with sharp-wittedness, keenly; sharply, pointedly, incisively/ بطور نیشدار یا جگر سوز، سخت

Traded: the act of buying and selling commodities, or all such acts collectively; commerce/ حرفه، کسب، داد و ستد، تجارت

Yorkshire terrier: an English breed of toy terrier having a long coat of silky fur that is bluish gray on the body and tan on the head and chest/ سگ یورکشیر

New Word	Synonym	Antonym
Traded	Commerce, business, dealings	
Pull out	withdraw	
Talk down to	patronize	
Squashed	crush, mash	
Nurture	cultivate, foster, nourish	hinder, neglect
Sketchy	brief, capsule, skeletal, summary	detailed, in-depth, thorough
Absolute	complete, entire, perfect, total, utter	partial
Aptitude	aptness, cleverness, facility, quickness, sharpness, ability, acuity	
Segment	division, part, piece	
Intensity	burning, depth	
Neural	nervous	
Manifest	apparent, clear, evident, obvious, patent, plain, unmistakable	secret

Breed	bear, beget, engender, generate, mother, procreate	
Bona fide	authentic, concrete	bogus, counterfeit
Standout		blend in
Exotic	alien, foreign, oriental	endemic, familiar, indigenous, native
Mastery	address, expertise, facility	
Boom	roar, thunder	
Materialize	appear, emerge	disappear, evanesce, evaporate, vanish
Irrelevant	extraneous, immaterial, impertinent, inapplicable	material, relevant
Probe	delve into, examine, explore	
Preternatural	occult, uncanny	natural
Prodigy	marvel ,ace, genius, intellect	